یادداشت

سید محمد مداح حسینی

چرا «قرار» باید برقرار باشد؟

کمتر فیلمسازی را در سینمای ایران پیدا می‌کنید که کار خود را با فیلم کوتاه آغاز نکرده باشد. نام‌ها پرشمارند: عباس کیارستمی، بهرام بیضایی، مسعود کیمیایی، ابراهیم حاتمی‌کیا، شهرام مکری، اصغر فرهادی و.... از سوی دیگر کمتر فیلم کوتاه موفق و تحسین‌شده‌ای را می‌توانید نام ببرید که توسط مخاطبان عمومی سینما (یعنی آن‌هایی که جزو اصحاب و کارورزان سینما نیستند؛ اما دست‌کم ماهی یک بار برای دیدن فیلم‌ها پا به سالن‌های سینما می‌گذارند) دیده شده و اصولاً کسی از چندوچون آن خبری داشته باشد و باز هم کمتر سینماگر فیلم کوتاهی را می‌شناسید که توانسته باشد هزینه‌های مادی و معنوی فیلمش را برگرداند. پس بی‌شک مشکلی وجود دارد و هر مشکلی نیز راه‌حلی را می‌طلبد.

سال‌های متوالی است که سینماگران خوش‌ذوق و بااستعداد سینمای کوتاه فیلم می‌سازند؛ اما امکانی برای دیده شدن فیلم‌هایشان به شکل استاندارد و مقبول وجود ندارد. در نتیجه تلاش‌های آن‌ها نادیده انگاشته می‌شود و امیدهایشان بر باد می‌رود. پس چه باید بکنند؟ یا باید عطای فیلمسازی را به لقایش ببخشند، یا تبدیل شوند به فیلمسازان سفارشی برای حفظ بقا. البته سفارشی فیلم ساختن اصلاً و ابداً چیز بدی نیست. فیلم‌سازی هم مانند خیلی از چیزهای دیگر یک مارکت است. محصول وجود دارد و عرضه و تقاضایی. همه نیز به دنبال سود خود هستند؛ که این هم چیز بدی نیست. اوضاع زمانی خراب می‌شود که شما به‌عنوان هنرمند، سلیقه و فردیت خویش را فدای خوشایند خریدار و سفارش‌دهنده کنید. حال فرقی نمی‌کند این سفارش‌دهنده فلان جشنواره هنری در ینگه دنیاست یا بهمان سازمان فرهنگی در کشور خودمان. هر دو اهمیت زیادی به نگاه فیلمساز نمی‌دهند و هر دو صرفاً به بازتولید ایده‌های خودشان می‌اندیشند که باز هم امری است طبیعی و رایج؛ اما نتیجه این فرایند فیلم‌هایی می‌شود که فاقد فردیت و صداقت هستند؛ چون برای پذیرفته شدن در جشنواره‌ای در آن سوی آب‌ها حاضرند هر واقعیتی را نادیده بگیرند و خیلی از مواقع نیز آنچه در اینجا رخ می‌دهد را قلب و جعل کنند تا جشنواره کذایی آن سوی آب به‌به و چه‌چه راه بیندازد و از تصویر غیرواقعی آن فیلم به‌عنوان سندی در تأیید منافع خودش بهره ببرد. فیلمساز هم نشئه می‌شود با استوری‌ها و خبرهای ریز و درشت و دروغ و راست از موفقیت‌های بین‌المللی فیلمش. این وضعیت که چند دهه است بر سینمای کوتاه حاکم شده، نتیجه همان نبود امکان اکران استاندارد فیلم‌های کوتاه سینمای ایران است.

رخداد «قرار»، قرار است همین گره را باز کند. انجمن سینمای جوانان ایران به‌عنوان مهم‌ترین متصدی آموزش، تولید و پخش فیلم کوتاه در کشور، از طریق پیگیری طولانی‌مدت و وقت‌شناسی مدیرعاملش (بهروز شعیبی) و با همکاری مجموعه بهمن سبز، در بیشتر شهرهای کشور اکران منظم بهترین آثار سینمای کوتاه را به همان شکلی که تولیدات بلند سینمای ایران اکران می‌شود، آغاز کرده است. از این پس مخاطبان سینما می‌توانند با خیال راحت بلیت را با تخفیف ۵۰ درصدی خریداری کرده و بدون مرارت‌های جشنواره‌ای، در سالن سینمای شهر خودشان فیلم ببینند. با این برنامه هم فیلم‌های کوتاه و تلاش‌های جانفرسای تولید آن دیده می‌شود، هم فیلمساز از دستاورد خویش بهره می‌برد و تهیه‌کنندگان با امنیت بیشتری به حمایت و تولید فیلم‌های کوتاه می‌پردازند؛ اما هنوز این رخداد برای مخاطب عمومی سینما کمی ناآشناست. نیاز به صبر دارد و معرفی که این دست اصحاب رسانه را می‌بوسد؛ اما، اما، اما اگر همه کمک کنیم تا رخداد قرار برقرار باشد، به زودی اثرات میمون و فرخنده آن بر سینمای فرسوده و نفس‌به‌شماره‌افتاده ایران جانی دوباره می‌دهد و می‌تواند مسیر و جهت سینمای ایران را برای چند دهه بعد روشن و هموار کند. انجمن سینمای جوانان ایران، قدم نخست را که بس سنگین و پرریسک بود، برداشته است؛ حال نوبت همه دلسوزان سینما و فرهنگ است که آستین‌ها را بالا بزنند.

گفت‌وگو درباره مجموعه «پروا کن» که از زندگی رهبر شهید روایتی برای نوجوانان ارائه کرده است

داستان یک عمر مجاهدت برای نسل آینده

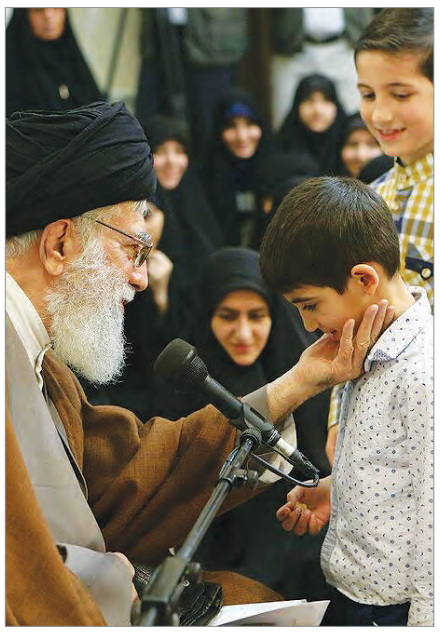

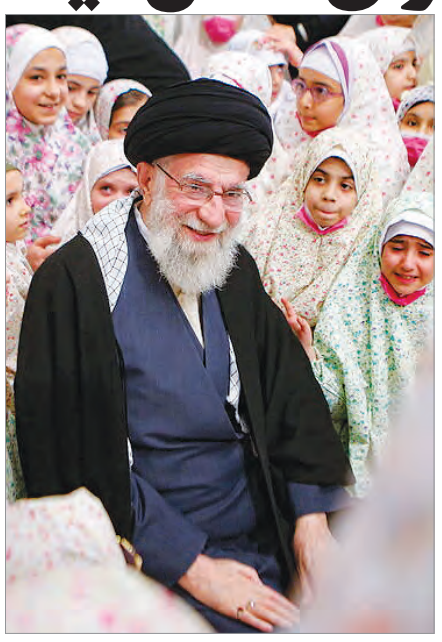

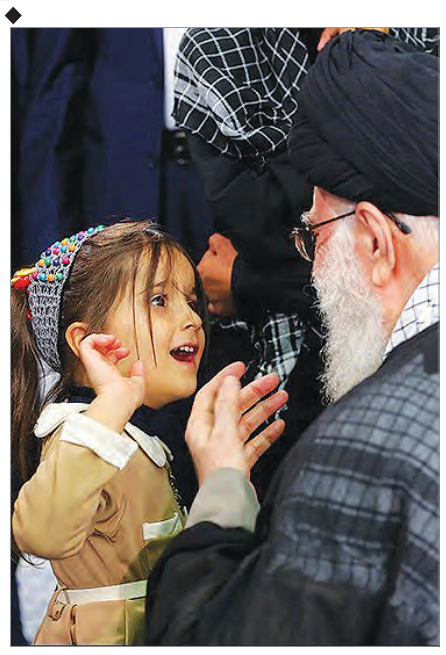

علیرضا خزاعی| محمدعلی جعفری، نویسنده پرکار و خوشنامی است که روایت‌هایی خواندنی از وقایع مهم سال‌های اخیر در منطقه دارد. او از «روایت» برای به تصویر کشیدن وقایع بهره می‌گیرد و استقبال مخاطب از کتاب‌هایش نشان می‌دهد در این کار موفق است. از جمله آثار او می‌توان به «جاده یوتیوب» روایت جنگ سوریه، «جاده کالیفرنیا» روایت طوفان الاقصی و «عطر فلفل» روایت سفرش به پاکستان اشاره کرد که با استقبال خوبی از سوی مخاطبان روبه‌رو شده‌اند. او نویسندگی را از نوجوانی و در مؤسسه فرهنگی «مدرسه عشق» آغاز کرد و نخستین کتابی که مربی تربیتی‌اش به او داد، کتاب «چمران به روایت همسر» بود؛ کتابی که سرآغاز مسیر کتاب‌خوانی‌اش شد و او را مشتری پروپا قرص کتاب‌های روایت فتح کرد.

در گفت‌وگو محمدعلی جعفری درباره اینکه چطور پایش به نویسندگی باز شد و چه می‌کند که روایت‌هایش این‌قدر پر مخاطب می‌شوند، گپ زدیم و درباره جدیدترین کاری که با موضوع جنگ رمضان انجام داده، پرسیدیم.

■نویسندگان، هر کدام با یک هدف نوشتن را آغاز کرده‌اند. انگیزه شما از نویسنده شدن چه بود؟ نویسنده شدید تا از چه بنویسید؟

آن زمان که کتاب‌های «چمران به روایت همسر» و «شهید مدق» را می‌خواندم، قلم خانم حبیبه جعفریان و خانم مریم برادران برای من خیلی جذاب بود. بعدها با سید مهدی شجاعی آشنا شدم که در دهه ۸۰ فقط او بود که برای اهل بیت (ع) می‌نوشت. خواندن این کتاب‌ها به همراه چند عنوان از رمان‌های رضا امیرخانی خیلی برای من حسرت برانگیز بود. این کتاب‌ها را که می‌خواندم، با خودم می‌گفتم ای کاش من هم بتوانم روزی برای شهدا و اهل بیت(ع) بنویسم. رفته رفته خیلی به شهید آوینی علاقه‌مند شدم و زندگی‌نامه و کتاب‌هایش را می‌خواندم.

نشر روایت فتح را هم به خاطر این انتسابش به شهید آوینی دوست داشتم و هنوز هم همین حس را دارم. در نوجوانی و اوایل جوانی همیشه آرزو می‌کردم در چنین فضایی بنویسم و روایت فتح چاپ کند که الحمدلله این اتفاق افتاد.

برای شهید محمدخانی مصاحبه می‌گرفتم که از روایت فتح به من زنگ زدند و گفتند تمایل داریم این کار در روایت فتح چاپ شود. از خوشحالی بال درآورده بودم و در ابرها سیر می‌کردم. شهید محمد خانی از رفقای دوران دانشجویی من بود. او هم مانند من از مشتری‌های پروپاقرص روایت فتح و کتاب‌های شهدا بود. حاصل همکاری من با روایت فتح کتاب‌های «عمار حلب» و «قصه دلبری» هستند. آرزوی دیگر من نوشتن برای اهل بیت(ع) است. این نکته را تاکنون جایی نگفته‌ام. نقل قول است که وقتی نخستین بار خانه کعبه را می‌بینید، اگر سه آرزو بکنید، برآورده می‌شوند. نخستین باری که به عمره مشرف شدم، یکی از آرزوهایم آنجا همین بود که خدا به من توفیق بدهد یک کار عمیق و ماندگاری برای اهل بیت(ع) بنویسم.

■در نوشتن، بیشتر از چه نویسنده‌هایی الگو گرفته‌اید؟

صادقانه بخواهم بگویم کسی به آن معنا که تلاش کنم از روی دستش بنویسم، برایم مطرح نبود. البته از یک سری نویسنده‌ها خوشم می‌آمد و کتاب‌هایشان را دنبال می‌کردم. رمان‌های رضا امیرخانی را به دلیل نثر و زبانش دوست داشتم و داستان‌های مجید قیصری را به خاطر ساختار داستانی‌اش مطالعه می‌کردم. از نویسنده‌های خارجی یوسا و همینگوی را می‌خواندم؛ اما اینکه بگویم اختصاصی الگویم در نویسندگی فلان نویسنده بوده، خیلی این‌طور نیستم.

■طبیعتاً نوشتن مستلزم مطالعه بالاست. آدم پرکاری مثل شما باید مطالعه بالایی هم داشته باشد. چند ساعت در روز مطالعه می‌کنید؟ بیشتر مطالعاتتان در چه زمینه‌ای است؟

پرکار بودن من از این نظر است که جزو معدود نویسندگان ایرانی‌ام که هیچ شغل دیگری جز نویسندگی ندارم. با همین نویسندگی امرار معاش می‌کنم. این کار سختی‌های خودش را دارد. به ویژه در ایران که به‌عنوان شغل شناخته نمی‌شود و افراد پذیرای آن نیستند؛ چون فرهنگش وجود ندارد؛ اما با تمام این سختی‌ها سعی کردم این شرایط را نگه دارم و از فضای نویسندگی خارج نشوم. به همین خاطر کل فضای کاری‌ام صرف خواندن و نوشتن می‌شود. با اینکه خیلی از کارهای من مستند و مربوط به حوزه تاریخ شفاهی و خاطرات است؛ اما وقت جدی‌ام را صرف مطالعه داستان و رمان می‌کنم. احساسم این است که دلیل استقبال مخاطب و دیده شدن کارهایم این بوده که رمان و داستان زیاد می‌خوانم. شناخت قواعد داستانی کمک می‌کند وقتی همین کارهای مستند و خاطره و حتی سفرنامه را می‌نویسم، از قالب کلیشه‌ای و کارهای تکراری که اغلب در این ژانرها منتشر می‌شوند، کمی متفاوت‌تر باشد و مخاطب هم بیشتر می‌پسندد.

■ چند کتاب مهم را که این روزها می‌تواند برای مخاطب مفید باشد، پیشنهاد می‌دهید؟

در فضای کارهای مستندنگاری، کتاب‌های الکساندرونا الکسیویچ را دنبال می‌کنم و فضای روایت و مدل نگاهش به جنگ خیلی برای من جذاب است. کتاب‌هایی مانند «صداهایی از چرنوبیل» که در مورد واقعه چرنوبیل نوشته شده و «جنگ چهره زنانه ندارد» به نظرم کتاب‌های خیلی خوبی در مورد جنگ هستند. خوب است مخاطب ما به خصوص دوستانی که در فضای روایت جنگ کار می‌کنند، این کتاب‌ها را بخوانند.

■«روایت» مسئله‌ای است که شما خیلی روی آن تمرکز دارید، به خصوص روایت جنگ. مشخصاً کتاب‌های «جاده یوتیوب» و «جاده کالیفرنیا» برآمده از دغدغه شما نسبت به روایت جنگ هستند. آیا در جنگ رمضان مشغول نوشتن روایت خاصی هستید؟

روز دوم جنگ، از صبحی که خبر شهادت رهبر معظم انقلاب منتشر شد، تا ظهر در شوک بودیم و نمی‌دانستیم چه کار باید بکنیم؛ اما از ظهر در دفتر نشستم و این دغدغه را داشتم که چه کاری برای آقا می‌توانم انجام دهم. در آن شرایط جنگ که همه چیز به هم ریخته و همه جا تعطیل بود، از تمام کتاب‌هایی که در مورد رهبر معظم انقلاب چاپ شده، هر چه را که مقدور بود در نصف روز تهیه کردم. با آن‌هایی که در کتابخانه شخصی‌ام داشتم و از دوستان قرض گرفتم، همه آثار در مورد ایشان را جمع آوری کردم و در دفتر کارم مقابل خودم قرار دادم تا ببینم چه کاری باید بکنیم و چه محتوایی داریم و آیا اصلا باید کاری انجام بدهیم یا نه! دوستان و همکارانم را در مجموعه منادی صدا زدم و حدود ۱۲ نویسنده آمدند و همفکری کردیم که چه کاری می‌شود برای رهبر شهید انقلاب انجام داد. ما در مجموعه منادی پیش از این کاری را در قبال دغدغه رهبر معظم انقلاب انجام داده بودیم. ایشان در دیدارهایشان با دانش‌آموزان روی چند کلیدواژه مثل اعتماد به نفس، خودباوری و جهاد علمی تأکید داشتند. آن زمان در مجموعه منادی به این جمع‌بندی رسیدیم که اگر شهدای علمی را با تمرکز بر خودباوری، اعتماد به نفس و جهاد علمی روایت کنیم، وظیفه مان را در قبال دغدغه رهبری انجام می‌دهیم. خروجی این دغدغه ما در قالب یک مجموعه ۶ جلدی به نام «طلاش کن» منتشر شد که بازخوردهای خوبی در میان نوجوانان داشت. با همان رویکرد به سراغ بررسی آثار چاپ شده درباره رهبر شهید انقلاب رفتیم. ما به جز یک رمان که بخش محدودی از زندگی حضرت آقا را روایت می‌کند، کار دیگری درباره زندگی و شخصیت ایشان برای نوجوانان نداریم. این شد که تصمیم گرفتیم یک کار جدی و عمیق برای رهبر شهید انجام دهیم. به‌عنوان دبیر مجموعه به همراه ۱۲ نویسنده این کار را شروع کردیم و الان که با شما صحبت می‌کنم، این کتاب‌ها توسط انتشارات شهید کاظمی آماده چاپ هستند و فقط منتظر تأییدیه دفتر رهبری برای انتشار این مجموعه هستیم.

■اشاره کردید این کار جدید قرار است به صورت یک مجموعه منتشر شود. بفرمایید چند جلد دارد و چه نامی برای آن انتخاب کردید؟

این مجموعه هفت جلدی است. جلدهای آن در عین استقلالی که دارند، هر کدام یک بازه زمانی از زندگی رهبر شهیدمان را روایت می‌کنند. به‌عنوان مثال جلد نخست مربوط به سال‌های ۱۳۱۸ تا ۱۳۳۷ است. جلد بعدی از ۱۳۳۷ تا سال ۱۳۵۵ است. همین‌طور تا سال ۱۴۰۴ و شهادت ایشان پیش می‌آید. اسم این مجموعه «پروا کن» است. علت این نام‌گذاری هم بر اساس آن خط روایتی بوده که از زندگی مجاهدانه ایشان دارد و به نوعی از جمله شهید آوینی الهام گرفتیم که می‌گوید: «از خدا پروا کن تا پر، وا کنی».

■نوشتن درباره شخصیت جامعی مثل رهبر شهیدمان که وجوه فکری، ادبی و اخلاقی برجسته‌ای داشتند، کار سختی است. اینکه بتوان این ابعاد را به تمامی به مخاطب انتقال داد و روایتی محدود و کلیشه‌ای ارائه نکرد، می‌تواند وجه تمایز یک اثر خوب درباره رهبر معظم انقلاب باشد. شما در کار جدیدتان چطور تلاش کردید این مسئله را رعایت کنید؟

ببینید اتفاقاً این نقد خود من هم است. در این ایام به دوستان می‌گفتم این مستندها و برنامه‌هایی که درباره آقا ساخته می‌شوند و خاطراتی که در فضای مجازی انتشار می‌یابند، یک بازنمایی محدود از رهبری دارند؛ به‌عنوان مثال ایشان را پیرمرد مهربانی نشان می‌دهند که انگشتر هدیه می‌دهد و چنین وجوهی از ایشان بیشتر ضریب می‌گیرد در حالی که این وجه را ما در خیلی از آدم‌های دیگر هم می‌توانیم ببینیم؛ اما وجه تمایز شخصیت حضرت آقا آن نگاه آرمانی و زندگی مجاهدانه‌ای است که داشتند. ما وقتی منابع را مطالعه کردیم، خط زندگی مجاهدانه ایشان را برای روایت این مجموعه انتخاب کردیم؛ یعنی این‌طور نبود که هر خاطره‌ای به دستمان رسید، بنویسیم؛ بلکه تلاش کردیم یک خط روایت منسجم و متفاوت را ارائه کنیم. از طرف دیگر سعی کردیم این محتواها را با زبان نوجوانانه و ادبیات امروزی بازنویسی کنیم که خوشخوان و نوجوان‌پسند باشند.

آگهی مفقودی ۱۴۰۵۰۴۸۵۴ پ
برگ سبز خودرو سواری پژو تیپ ۴۰۵GLX - XU7 مدل ۱۳۹۱ به رنگ خاکستری به شماره موتور ۱۲۴۹۱۰۰۲۶۷۶ به شماره شاسی NAAM01CAXCR571411 به شماره پلاک ۳۸۶ م ۷۱ ایران ۹۵ به مالکیت جانی رمضانی پور مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد/ ایرانشهر

آگهی مفقودی ۱۴۰۵۰۴۸۵۴ پ
نامه هولوگرام خودرو کوئیک مدل ۱۴۰۴ به رنگ سفید-روغنی به شماره پلاک ۲۳۵ ب ۴۱ ایران ۷۵به شماره موتور M1554888 وشماره شاسی NAS861100S1174541به نام اصغر آبیار باکد تخصیص ۲۹۷۵۵۲۴۷ مفقود و از درجه اعتبار ساقط است.

آگهی مفقودی ۱۴۰۵۰۴۸۵۸ ف
برگ سبز خودرو اینجانب محمدپارسا عمادی نیا مربوط به سواری هیوندای آزرا ۳۳۰۰ مدل ۲۰۰۷ رنگ سفید صدفی - متالیک به پلاک ۱۹ ایران ۵۶۵ و ۸۲ به شماره موتور G6DBVA896448و به شماره شاسی KMHFC41DP7A247704 مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

آگهی مفقودی ۱۴۰۵۰۴۸۸۱
برگ سبز خودرو سواری پژو تیپ ۴۰۵GLX - XU7 مدل ۱۳۹۱ به رنگ خاکستری به شماره موتور ۱۲۴۹۱۰۰۲۶۷۶ به شماره شاسی NAAM01CAXCR571411 به شماره پلاک ۳۸۶ م ۷۱ ایران ۹۵ به مالکیت جانی رمضانی پور مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد/ ایرانشهر

آگهی مفقودی ۱۴۰۵۰۴۸۸۹
برگ سبز خودرو پژو ۴۰۵ مدل ۱۳۹۰ به رنگ نقره‌ای به شماره موتور ۱۲۴۹۰۲۱۲۰۳۰ به شماره شاسی NAAM01CA5CR569274 به شماره پلاک ۷۷۵ س ۴۲ ایران ۶۵ به مالکیت محمد شهریاری سرحدی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد/ ایرانشهر

آگهی مفقودی ۱۴۰۵۰۴۸۴۶
برگ سبز،سند کمپانی و کارت خودروپراید ۱۳۱SE مدل ۱۳۹۷ به رنگ سفید به شماره پلاک ۱۹۸ ۴۷ ۵ ایران ۳۶به شماره موتور M13/6129290 وشماره شاسی NAS411100J3449391به نام سید سینا غیاثی اجغان مفقود واز درجه اعتبار ساقط است.

آگهی مفقودی ۱۴۰۵۰۴۸۵۷ ف
کلیه مدارک پژو آردی مدل ۱۳۸۳، به شماره موتور ۱۱۷۸۳۰۱۹۰۸۴، شماره شاسی ۸۳۱۱۹۳۸۱ و شماره پلاک ۹۷۲ ل ۱۲ ایران ۷۲ متعلق به قربانعلی صالحی ریزآبادی مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط است.

آگهی مفقودی ۱۴۰۵۰۴۸۶۷
مجوز حمل سلاح و مهمات شکاری به شناسه ۰۰۰۰۱۲۶۹۸۸۱۲مدل کوسه ساخت روسیه کالیبر ۱۲به شماره سلاح ۱۴۷H09045782به شماره بارکد ۲۶۶۸۰۱۲ به مالکیت عبدالسلام رسولی زاده مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد/ ایرانشهر

آگهی مفقودی ۱۴۰۵۰۴۸۹۷
برگ سبز خودرو دنا مدل ۱۴۰۳ به رنگ سفید به شماره پلاک ۵۳۵ د ۶۶ ایران ۳۶ به شماره موتور ۱۴۷H08298821 و شماره شاسی NAAW21HHFRDE632338 به نام کاظم پهلوان مفقود و از درجه اعتبار ساقط است.

آگهی مفقودی ۱۴۰۵۰۴۸۵۱ ف
برگ سبز سمند سورن CNG_EF7 مدل ۱۴۰۵ به شماره پلاک ۳۸ ایران ۲۱۱ص۳۲ و شماره موتور ۱۴۷H09636642 و شماره شاسی NAACF1C1FTFP870۲۶ بنام کبری فعله کری مفقود و از درجه اعتبار ساقط می باشد

آگهی مفقودی ۱۴۰۵۰۴۸۵۳ ف
برگ سبز کارت ماشین خودرو سواری پراید رنگ نقره ای –متالیک مدل۱۳۸۴ شماره شاسی S1412284F87866 شماره موتور ۰۱۱۲۰۳۶۲ شماره پلاک ایران ۴۲ - ۴۹۹ ط ۸۲ وحید ابراهیمی مقصود اباد مفقود گردیده و اعتبار ندارد.

آگهی مفقودی ۱۴۰۵۰۴۸۵۵
برگ سبز خودروی سواری پژو ۴۰۵ به رنگ سفید روغنی به شماره موتور ۱۸۱B00291۴۵ به شماره شاسی NAAM31FE5HK085072 به شماره پلاک انتظامی ۷۵د۸۴۷ -۱۲ به مالکیت امیر ارسلان بختیاری جامی مدل ۱۳۹۶ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط میباشد.

آگهی مفقودی ۱۴۰۵۰۴۸۵۲ ف
برگ سبز و سند کمپانی و کارت موتورسیکلت تک تاز به شماره انتظامی ۷۶۹-۱۶۵۱۳ و شماره شاسی NEJ***125G9112310 و شماره موتور ۰۱۳۸۹۶ بنام محمد حسن نجارزاده به شماره ملی ۰۷۵۰۲۰۶۶۱۶ مفقود و اعتبار ندارد.

آگهی مفقودی ۱۴۰۵۰۴۸۹۹
برگ سبز پژو ۴۰۵ مدل ۱۳۸۷ بشماره انتظامی ایران ۵۲_۹۳۹ص۶۷ شماره موتور ۱۲۴۸۷۰۸۸۲۴۱ شماره شاسی NAAM01CA28E3۷۶۲۴۱ بنام مسعود عسکری پور مفقود و اعتبار ندارد.

آگهی مفقودی ۱۴۰۵۰۴۸۸۲
برگ سبز خودرو کامیونت - ون زامیاد تیپ Z24NIM مدل ۱۴۰۱ به رنگ آبی به شماره موتورM2۴۸۹۶۴۹۱M به شماره شاسی NAZPL14۰TN0۶۷۳۱۹۱ به شماره پلاک ۶۹۱ م۴۳ ایران ۹۵ به مالکیت محمد صالح چاری زهی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد/ ایرانشهر

آگهی مفقودی ۱۴۰۵۰۴۸۶۷
برگ سبز خودرو تراکتور کمرشکن ورزان مدل ۱۳۹۰ به رنگ سبز روغنی پلاک ۱۶۹ ک ۱۴ ایران ۷۹ شماره موتور ۷۷۰۱۳۵ شماره شاسی ۰۰۹۰۱۳۱ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط میباشد.

آگهی مفقودی ۱۴۰۵۰۴۸۵۶
برگ سبز خودروی سمند مدل ۱۳۸۵ رنگ شکلاتی متالیک با شماره پلاک ۷۶۴ص۱۴ ایران ۱۲ و شماره شاسی ۱۷۶۳۶۲۸۰ و شماره موتور ۱۲۴۸۵۱۴۲۲۶۰ متعلق به آقای افشین داوری لطف‌آبادی با کد ملی ۰۷۷۸۵۶۷۰۱۱، در تاریخ ۱۴۰۴/۱۲/۱۰ مفقود و از درجه اعتبار ساقط است.

آگهی مفقودی ۱۴۰۵۰۴۸۵۰
سند کمپانی و برگ سبز خودرو سواری استیشن سیستم فیدلیتی پرایم تیپ VWOPOG3-BFX بشماره موتور SQRE4T15CBJPL60503 شماره شاسی NAGC1ABF49R1029483 شماره پلاک ایران ۳۷ - ۹۵۵ ج ۳۸ بمالکیت پوران عبدی بشماره ملی ۲۹۷۰۱۴۶۹۴۰ مفقود و از درجه اعتبار ساقط است .